



حکم عقد مساقات در فقه و قانون مدنی افغانستان

پوهندوی عبدالقادر نایل^{۱۱}

تقریظ‌دهنده: پوهاند محمدابراهیم ابراهیمی

مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم
اجتماعی پوهنتون کابل، ۱ (۴) ۱۴۰۰

چکیده

عقد مساقات عبارت است از دادن درخت و تاک به شخص دیگری جهت پرورش و بهره‌برداری در مقابل قسمت معینی از میوه‌ی آن. این عقد هم‌چون سایر عقود، به هدف حل بخشی از مشکلات اجتماعی انسان‌ها مشروع گردیده است. در حالی که قواعد عمومی حاکم بر تمام عقود، بالای عقد مساقات هم قابل تطبیق می‌باشد، این عقد ارکان، شروط و احکام خاص خود را نیز دارد که باید رعایت شود. احکام و آثار این عقد به تبعیت از انواع آن، به احکام عقد مساقات صحیح و فاسد، تقسیم شده است. عقد مساقات مانند سایر عقود، بنابر بعضی اسباب و عوامل، معروض به فساد گردیده، احکام و آثار آن از بین می‌رود.

اصطلاحات کلیدی: مساقات؛ معامله؛ باغبانی؛ شرکت؛ عامل؛ باغ‌دار

Provisions of Gardening Contract in Jurisprudence and Civil Code of Afghanistan.

Asstt. Prof. Abdul Qader Nael

Abstract

Gardening contract shall mean giving tree and vine to another person for the purpose of nurturing and utilization in exchange for a specific part of its fruit. Gardening like any other contract has been legitimized in order to alleviate a part of social problems. While the general rules governing all contracts are applicable to the gardening contract, gardening also has its own elements, conditions, and provisions that must be observed. According to its two types, the legal effects of the gardening contract are divided into valid and vitiated. Gardening like other contracts may expose to vitiation due to some causes and factors, as a result, its provisions and effects become invalid.

Keywords: Contract; Transaction; Gardening; Partnership; Doer of Gardening; Gardener

ارجاع

نایل، عبدالقادر. (۱۴۰۰). حکم عقد مساقات در فقه و قانون مدنی افغانستان. مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم اجتماعی پوهنتون کابل، شماره ۱ (۴)، صص ۱۵۷ - ۱۷۲.

^{۱۱} استاد پوهنځی شرعیات، پوهنتون کابل

مقدمه

الحمد لله و الصلاة والسلام على سيدنا محمد رسول الله و على آله و أصحابه و من و آله. شریعت اسلامی در یک دید منصفانه برنامه‌ی جامع و کامل الهی برای بشریت است که شامل ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها بوده و هیچ ساحه‌ی از ساحات زندگی بشر از حیظه‌ی بحث آن و احتوای احکام و دساتیر آن، بیرون نمانده است.

بخش معاملات شریعت اسلامی که بخش عمده‌ی احکام عملی اسلام را تشکیل می‌دهد، شامل تمام انواع معاملات انسانی و ابعاد و اشکال مختلف روابط ذات‌البینی آن‌ها است.

فلسفه‌ی مشروعیت بخشی ازین احکام را ضرورت انسان‌ها تشکیل می‌دهد و خداوند متعال با درک دقیق از ضرورت‌های عاجل و اجل انسان‌ها و نیاز آنان به انواع مختلف معاملات، این نوع احکام را در منطقی‌ترین و تطبیقی‌ترین شکل آن، قانون‌گذاری نموده است.

یکی از موارد قابل توجه در زندگی انسان‌ها این است که تعدادی از افراد جامعه، دارای نیروی کار و فاقد امکاناتی چون پول، زمین، باغ و غیره بوده و تعداد دیگر درحالی‌که منابع کافی مادی را در اختیار دارند، در راستای استفاده از آن یا به مشکل نداشتن نیرو و تجربه مواجه اند و یا به مشکل نداشتن وقت مناسب. در چنین وضعیت، بدیهی است که این افراد به یک‌دیگر نیاز پیدا می‌کنند تا با نوع مشارکت کاری، خود و طرف دیگر را کمک نمایند.

عقودی چون: اجاره، شرکت‌ها، مضاربت، مزارعت و مساقات در همین راستا و به هدف حل همین نوع ضرورت انسان‌ها مشروع گردیده است که با توجه به اهمیت این نوع احکام، این نوشته به توضیح احکام عقد مساقات در فقه اسلامی بگونه‌ی مقایسه‌ی با احکام مربوطه‌ی قانون مدنی افغانستان، اختصاص یافته است.

در این نوشته از روش توصیفی، تحلیلی و مبتنی بر دلایل شرعی و قانونی استفاده شده است. مسأله‌ی مهم این نوشته، دریافت نکات مشترک و متفاوت راجع به عقد مساقات در فقه و قانون مدنی افغانستان و سؤالات مهم آن این است که آیا عقد مساقات نزد فقهاء آن‌چه است که قانون مدنی افغانستان به نام باغبانی معرفی نموده است؟ و این که عقد مساقات در کتگوری بندی عقود، مشمول کدام نوع عقود است؟

گفتنی است که در حد معلومات بنده، تا اکنون بحثی با این شیوه و به‌گونه‌ی مقایسه‌ی با قانون مدنی کشور، نوشته نشده است. امیدوارم این نوشته برای اهل علم مفید واقع شود.

مفهوم عقد مساقات

«مساقات» در لغت مصدر باب مفاعله از ریشه‌ی «سقی» به معنای آب‌دهی یا سیرآب‌سازی، به هم‌دیگر آب دادن و به هم‌دیگر آب رسانیدن است.^{۱۲} سیوطی رح در بیان مفهوم مساقات گفته است: مساقات عبارت از تسلیم دادن درخت خرما و انگور است به شخصی که به منظور نگاه‌داری و مراقبت از آن‌ها، در مقابل مزدی از میوه‌ی آن‌ها^{۱۳}. به قول ابن منظور «مساقات» اصطلاح رایج نزد علمای حجاز و «معامله» به عین مفهوم، اصطلاح رایج نزد اهل عراق است.^{۱۴}

در منابع فقهی تعریف‌های مختلف با هم متقارب برای «مساقات» و «معامله» ارائه شده است. ابن جزئی مالکی، مساقات را اصطلاحاً این‌گونه تعریف نموده است: «المساقاة»: هي أن يدفع الرجل شجرة لمن يخدمها و تكون غلتها بينهما^{۱۵}. یعنی، مساقات عبارت است از دفع نمودن یا سپردن شخصی (مالک باغ) درختی را به شخصی که آن را خدمت نموده و به آن رسیدگی می‌کند و در پایان کار، میوه و حاصلات آن، میان آنان (طرفین عقد) مشترک باشد.

فقه‌های حنفی هم تعریف مشابهی برای مساقات ارائه نموده اند. مجلة الأحكام العدلیة در تعریف مساقات چنین نوشته است: مساقات نوع شرکتی است که به اساس آن درخت از یک جانب و تربیه آن از جانب دیگر در نظر گرفته شده و میوه‌ی حاصل از آن (طبق توافق قبلی) میان طرفین قرارداد، تقسیم می‌شود.^{۱۶} تعریف‌های دیگری نیز با الفاظ مشابه و نزدیک به آن چه ذکر شده، مطرح شده است، اما بنابر ضرورت اختصار در این نوشته، به همین قدر اکتفا می‌شود.^{۱۷} قانون مدنی افغانستان از مساقات به «باغبانی» تعبیر نموده و آن‌را چنین تعریف کرده است: «عقد باغبانی عبارت است از دادن درخت و تاک به شخص دیگر جهت پرورش و بهره‌برداری به مقابل قسمت معینی از ثمر آن»^{۱۸}.

^{۱۲} مسعود انصاری و محمدعلی طاهری. (۱۳۸۸ش). مجموعه دانشنامه حقوق-دانشنامه حقوق خصوصی. تهران، جنگل جاودانه، ج ۳، ص ۱۸۰۳.

^{۱۳} «المساقاة: تسليم النخيل والكروم للتعهد بجزء من ثمرها». أبو الفضل عبدالرحمن جلال‌الدین السیوطی. (۱۴۲۴هـ.ق). معجم مقالید العلوم فی الحدود و الرسوم، القاهرة، مكتبة الآداب، الطبعة الأولى، ص ۵۵.

^{۱۴} «والمعاملة في كلام أهل العراق هي المساقاة في كلام الحجازيين». محمد بن مكرم بن منظور الافریقی. (۱۴۱۴هـ.ق). لسان العرب، بیروت، دار صادر، الطبعة الثالثة، ج ۱۱، ص ۴۷۶.

^{۱۵} أبو القاسم، محمد بن احمد ابن الجزی. (۱۴۲۹هـ.ق). القوانين الفقهية، القاهرة، دارالاندلس الجديده، ص ۳۰۲.

^{۱۶} «المساقاة: نوع شركة على أن يكون أشجار من طرف و تربیه من طرف آخر و يقسم ما يحصل من الثمرة بينهما». مجلة الأحكام العدلیة، (ب-ت). کراتشی، آرام باغ، نور محمد، کارخانه‌ی تجارت کتب، ماده ۱۴۴۲.

^{۱۷} برخی از معاصرین در بیان مفهوم اصطلاحی مساقات گفته اند: المساقاة: هي معاهدة دفع الأشجار إلى من يعمل فيها على أن الثمرة بينهما. أو هي: دفع الشجر إلى من يصلحه بجزء معلوم من ثمره. وهبة الزحيلي (ب-ت). الفقه الاسلامی و أدلته، دمشق، دارالفکر، ج ۶، ص ۴۷۰۴.

^{۱۸} قانون مدنی افغانستان (۱۳۵۵/۱۰/۱۵هـ.ش) ۳۵۳ جریده رسمی، ماده‌ی ۱۴۳۲.

چنانچه ملاحظه می‌شود، قانون مدنی افغانستان به تأسی از نظریات فقها، اولاً مسابقات را یک عقد دو جانبه میان دو نفر (باغ‌دار و عامل) معرفی نموده، سپس قیود و شروطی را که فقها برای تحقق آن ذکر نموده‌اند، به‌نحوی در تعریف باغبانی درج نموده است که بیان‌گر عمق تأثر آن از فقه اسلامی و منابع معتبر آن است.

حاصل تعریف‌های بیان شده این است که مسابقات یا باغبانی عقدیست که میان دو نفر منعقد می‌گردد و به اساس آن یک‌طرف مکلف به نگهداری، رسیدگی، تربیت و آب‌دهی درختان باغ شخص دیگر گردیده و در مقابل، مستحق بخشی از حاصلات میوه‌ی درختان مورد قرارداد می‌شود و این عقد مانند سایر عقود، وجائب و الزاماتی را بالای طرفین قرارداد ببار می‌آورد.

مشروعیت عقد مسابقات

در خصوص مشروعیت عقد مسابقات دو دیدگاه متفاوت فقهی وجود دارد. در حالی که امام ابو حنیفه رح اصلاً به جواز این عقد قائل نمی‌باشد، جمهور فقها (أئمه ثلاثه و صاحبین از احناف) مسابقات را یک عقد جائز و مشروع می‌دانند که برخی دلایل آنان ازین قرار است:

امام ابو حنیفه رح مسابقات به ثلث و ربع حاصلات را اصلاً باطل می‌داند، با این استدلال که این عقد اجاره‌ی درخت در مقابل قسمتی از حاصل آن بوده و عقدیست ممنوع و منهی عنه. کاسانی رح در این زمینه حدیثی را به این مفهوم نقل نموده است که پیامبر گرامی (ص) برای رافع بن خدیج رض در مورد دیواری فرمود: «لا تستأجره بشئ منه». یعنی جنس مورد نظر را به قسمتی از حاصل آن به اجاره نگیر. این فرموده وی مانند یک قاعده عام است^{۱۹}. حدیث معروفی که در مورد نهی از قفیز الطحان وارد شده است، دلیل دیگر امام ابو حنیفه رح در این باب است. دلیل دیگر ایشان این است که اجاره گرفتن چیزی در مقابل قسمتی از حاصل آن در واقع اجاره گرفتن چیزی در مقابل مزد و اجرت مجهول است. حدیث وارد در مورد معامله پیامبر (ص) با اهل خیبر، از نظر امام ابو حنیفه رح، محمول و مؤل به نوع جزیه است^{۲۰}.

^{۱۹} علاء الدین أبو بکر بن مسعود الکاسانی (۱۴۰۶ هـ.ق). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت، دار الکتب العلمیة، ج ۶، ص ۱۷۵. گفتمنی است که با تلاش زیاد، متن حدیث مذکور در متون حدیث معروف یافت نشد، البته در مسند منسوب به امام ابو حنیفه رح به این لفظ نقل شده است: «عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ مَرَّ بِحَائِطٍ فَأَعْجَبَهُ، فَقَالَ: «لِمَنْ هَذَا؟ فَقُلْتُ: لِي، فَقَالَ: مِنْ أَيْنَ لَكَ هُوَ؟ قُلْتُ: اسْتَأْجَرْتُهُ، قَالَ: لَا تَسْتَأْجِرْهُ بِشَيْءٍ مِنْهُ». وَ فِي رِوَايَةٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِحَائِطٍ فَقَالَ: «لِمَنْ هَذَا؟ فَقُلْتُ: لِي، وَ قَدْ اسْتَأْجَرْتُهُ، قَالَ: فَلَا تَسْتَأْجِرْهُ بِشَيْءٍ مِنْهُ». نعمان بن ثابت ابو حنیفة (ب-ت). مسند أبي حنیفة رواية الحسكفي، تحقیق: عبد الرحمن حسن محمود، کتاب

الزراعة، مصر، نشر: الآداب، حدیث ۲.

^{۲۰} همان، علاء الدین الکاسانی، ج ۶، ص ۱۷۵.

و اما دلایل جمهور فقها در جایز و مشروع دانستن عقد مساقات ازین قرار است:

۱. حدیث وارد در مورد معامله پیامبر (ص) با اهل خیبر به مقداری از حاصل میوه و زراعت^{۲۱}.
۲. حدیثی که (بعد از مواصلت مهاجرین به مدینه منوره) مردم انصار نزد پیامبر (ص) آمده و در قسمت این که چگونه کمکی می‌توانند با مهاجرین انجام دهند، دو پیشنهاد را مطرح نمودند، اول این که پیامبر (ص) درخت‌های خرمای آنان را میان آن‌ها و مهاجرین تقسیم نماید که از جانب پیامبر (ص) پذیرفته نشد. پیشنهاد دوم آنان این بود که کار نگه‌داری و نگه‌بانی باغ‌های خود را به مهاجرین بسپارند و در مقابل، آنان را در حاصلات باغ‌های خود شریک سازند که از جانب مهاجرین پذیرفته شد^{۲۲}.

وجه استدلال این است که آن چه بدان توافق صورت گرفت، در واقع عقد مساقات بود که بین باغ‌داران مدینه و مهاجرین مکه منعقد گردید، چون مؤنه یاد شده در حدیث به معنای انجام اعمالی چون آب‌دهی و رسیدگی به کارهای خدماتی باغ است.

در بیان دلیل عقلی مشروعیت عقد مساقات و حکمت تشریح آن گفته شده است: مواردی پیش می‌آید که باغ‌دار یا فاقد توانای (فنی) رسیدگی به امور باغ خود است و یا این که وقت کافی برای آن ندارد. برعکس، شخصی که چنین مهارت یا وقت را دارد، از داشتن باغ و زمین بی‌بهره است که در نتیجه شخص باغ‌دار به عمل عامل و عامل به کار در مزرعه‌ی باغ‌دار، نیاز دارد، مانند سایر موارد که انسان‌ها در انجام آن به کمک یک‌دیگر احتیاج دارند^{۲۳}.

مرحوم استاد سید سابق رح به نقل از شوکانی رح نوشته است: جواز مزارعت و مساقات به بخشی از حاصلات میوه و کشت، از علی بن ابی طالب، ابن مسعود، عمار بن یاسر، سعید بن المسیب، عمر بن عبد العزیز، ابن ابی لیلی، ابن شهاب الزهری، قاضی ابو یوسف و محمد بن الحسن الشیبانی (رضی الله عنهم) روایت شده است و ایشان مزارعت و مساقات را بگونه‌ی باهم مختلط و از هم جدا جایز دانسته اند^{۲۴}.

^{۲۱} عَنْ ابْنِ عُمَرَ، «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَامَلَ أَهْلَ خَيْبَرَ بِشَطْرِ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ أَوْ زَرْعٍ». ابوداود، سلیمان بن الأشعث السجستانی (ب-ت) سنن ابی داود، بیروت، المكتبة العصرية، صیدا، ج ۳، ص ۲۶۲.

^{۲۲} قَالَتْ الْأَنْصَارُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَفِئْمَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ إِخْوَانِنَا النَّخِيلِ، قَالَ: «لَا»، فَقَالَ: «تَكْفُونَا الْمُؤْنَةَ وَتُشْرِكُكُمْ فِي الثَّمَرَةِ»، قَالُوا: سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا». محمد بن اسماعیل ابو عبدالله البخاری (۱۴۲۲ق)، صحیح البخاری، القاهرة، دار طوق

النجاة، ج ۳، ص ۱۹۰

^{۲۳} همان، وهبة الزحیلی، ج ۶، ص: ۴۷۰۴، هم چنین: وزارت الأوقات والشئون الإسلامية - الكويت (۱۴۰۴ ق- ۱۹۸۳).

الموسوعة الفقهية الكويتية، الكويت، طباعة ذات السلاسل، الطبعة الثانية، ج ۳۷، ص ۱۱۵.

^{۲۴} سید سابق. (۱۳۹۷هـ-ق ۱۹۷۹م)، فقه السنة، بیروت، دار الكتاب العربی، ج ۳، ص ۳۴۵.

به این ترتیب عقد مساقات، بنابر دلائل تحریر شده بگونه‌ی استثناء از دو اصل ممنوع که اجاره مجهوله و بیع معدوم می‌باشد، نزد جمهور فقها، شامل قاضی ابو یوسف و امام محمد از شاگردان امام ابو حنیفه رح، جایز دانسته شده است. البته قول صاحبین در این مسأله، قول مفتی به در مذهب احناف دانسته شده است.^{۲۵}

ارکان عقد مساقات

ارکان عقد مساقات از نظر فقهای حنفی عبارت است از ایجاب و قبول. چنانچه کاسانی رح فرموده است: «و أما ركنها فهو الإيجاب و القبول... من غير تفاوت». به این مفهوم که رکن عقد مساقات بدون تفاوت با سایر عقود، عبارت از ایجاب و قبول است.^{۲۶}

این رشد مالکی رح ارکان عقد مساقات را چهار دانسته است که عبارت اند از محل مخصوص به مساقات، معقود علیه یا چیزی که عقد بالای آن منعقد می‌گردد، صیغه عقد و بالآخره مدت زمانی که عقد در آن واقع می‌شود و در خلال آن جایز می‌باشد.^{۲۷}

برخی از معاصرین با اشاره به منشأ اختلاف احناف و جمهور در باب تعیین رکن عقود چنین گفته اند که رکن نزد جمهور فقها معنای وسیع‌تر داشته و عبارت است از آن‌چه که موقوف علیه برای عقد بوده و تحقق عقد به آن موقوف و منوط می‌باشد، قطع نظر از این‌که جزء ماهیت عقد است یا خارج از ماهیت آن، اما احناف برای رکن بودن شیئی یا مفهوم، دو امر را لازم می‌دانند، یکی این‌که موقوف علیه برای ماهیت عقد باشد و دیگر این‌که جزء ماهیت عقد باشد که این دو شرط فقط در ایجاب و قبول متحقق می‌شود نه در سایر اموری که نزد جمهور به عنوان رکن شناخته شده اند. چنانچه عاقدان در تعریف جمهور برای رکن شامل بوده و رکن عقد شمرده شده اند، چون وجود عاقد موقوف علیه برای تحقق عقد است اما نزد احناف عاقد رکن عقد نیست.^{۲۸}

^{۲۵} همان، ابن الجزری، ص ۳۰۲، هم چنین: همان، الکاسانی، ص ۱۸۵. گفتنی است که قول مبنی بر کراهت عقد مساقات نیز وجود دارد و به ابراهیم نخعی و حسن بصری رح منسوب است. همان، وزارة الأوقات والشؤون الإسلامية-الکویت، ج ۳۷، ص ۱۱۲.

^{۲۶} همان، الکاسانی، ص ۱۸۵.

^{۲۷} أبو الولید محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد الشهير ببين رشد القرطبي (۱۴۲۵ق - ۲۰۰۴). بداية المجتهد و نهاية المقتصد، القاهرة، دار الحديث، ج ۴، ص ۲۹.

^{۲۸} همان، وهبة الزحيلي، ج ۶، ص ۴۲۱، هم چنین: الجزیری، عبد الرحمن بن محمد عوض. (۱۴۲۴ق - ۲۰۰۳)، الفقه على المذاهب الأربعة، بيروت، دار الكتب العلمية، ج ۳، ص ۲۳ - ۳۳.

احکام و آثار عقد مساقات

فقها احکام و آثار مرتب بر عقد مساقات را (به اساس تنوع عقد مساقات به صحیح و فاسد) به دو کتگوری تقسیم‌بندی نموده اند، احکام مرتب بر عقد مساقات صحیح و احکام مرتب بر عقد مساقات فاسد یا غیر صحیح که تفصیل بیشتر هر یک ازین قرار است:

الف: احکام عقد مساقات صحیح

بعد از اختلاف نظر در مورد جواز و عدم جواز عقد مساقات، موضوع مهم دیگر اختلافی میان فقها احکام مرتب بر عقد مساقات است. گرچه دیدگاه فقهای مذاهب اربعه راجع به اکثر احکام مرتب بر عقد مساقات با هم متقارب است، اما تفاوت نظرهایی نیز درین زمینه وجود دارد که در این سطور بدان اشاره می‌شود.

فقهای حنفی آثار مرتب بر عقد مساقات را متنوع دانسته و آن‌ها را این‌گونه بیان نموده اند:

۱. یکی از احکام مرتب بر عقد مساقات صحیح این است که این عقد (بعد از تحقق ارکان و شروط آن) بالای طرفین عقد لازم می‌شود و نتیجه‌تاً هیچ یکی از طرفین عقد بدون کسب رضایت جانب دیگر، صلاحیت فسخ آن را ندارد، مگر در صورت پیش‌آمد اعدار خاص. چنان‌چه قانون مدنی افغانستان با اشاره به این‌گونه اعدار چنین حکم می‌کند: «هرگاه باغبان از اجراء عمل عاجز گردد یا از ظهور ثمر مطمئن نباشد، فسخ عقد باغبانی جواز دارد»^{۲۹}.

لزوم عقد مساقات نظر جمهور فقها است. چنان‌چه برخی منابع معتبر معاصر نوشته اند که: «فقها در مورد لزوم و عدم لزوم عقد مساقات اختلاف نموده اند، جمهور فقها آن را عقد لازم دانسته اند که یکی از متعاقدان به تنهایی و بدون کسب رضایت جانب دیگر صلاحیت و اختیار فسخ آن را ندارد. از دلایل قائلین به لزوم عقد مساقات این است که در لزوم و تنفیذ آن کدام ضرری برای کدام یکی از طرفین وجود ندارد. هم‌چنان استدلال نموده اند که اگر لازم نباشد و در جریان عقد، مالک باغ صلاحیت فسخ یک‌جانبه آن را داشته باشد، در این صورت، عامل متضرر می‌شود و زحمات چندین ماهه‌ی او به هدر می‌رود»^{۳۰}.

^{۲۹} همان، قانون مدنی افغانستان، ماده‌ی (۱۴۴۰).

^{۳۰} همان، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية- الكويت، ص: ۱۱۵، هم‌چنین: شمس‌الدین محمد بن أحمد الخطیب الشربینی (۱۴۱۵هـ-ق-۱۹۹۴م). مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج (۱۴۱۵ق). بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ج ۳، ص ۴۳۳، همان، الکاسانی، ص ۱۸۷.

فقهای حنبلی بنا بر دلائلی، به عدم لزوم عقد مساقات قائل اند. از دلائل آن‌ها این است که رسول اکرم (ص) در وقت انعقاد عقد مساقات با یهود خیبر، برای آنان گفت: «أَفْرُقُمْ فِيهَا عَلَيَّ ذَلِكَ مَا شِئْنَا»^{۳۱}. یعنی این قرارداد میان ما و شما تازمانی باقی خواهد ماند که ما بخواهیم. وجه استدلال این است که اگر عقد مساقات بالای طرفین عقد الزام آور می‌بود، پیامبرگرامی (ص) اختیار فسخ یک‌جانبه را مطرح نمی‌کرد^{۳۲}.

۲. تعیین و تقسیم مکلفیت‌های طرفین عقد در خصوص رسیدگی به امور باغداری یکی دیگری از آثار و احکام مرتب بر عقد مساقات است. چنانچه امام کاسانی رح فرموده است:

«منها أن كل ما كان من عمل المعاملة مما يحتاج إليه الشجر والكرم... من السقي وإصلاح النهر و الحفظ و التلقيح للنخل فعلى العامل»^{۳۳}. یعنی از جمله آثار مرتب بر عقد مساقات صحیح این است که کارهای چون آبیاری، پاک‌کاری و اصلاح نهر آب، حفظ و نگه‌داشت درخت‌ها و تلقیح یا نوع پیوند نمودن درخت‌ها و سایر اعمالی که درخت‌های مورد معامله به آن‌ها احتیاج دارند، همه به شخص عامل مربوط شده و از مکلفیت‌های او محسوب می‌شود، چون این‌گونه اعمال در واقع از توابع معقود علیه (عملیه‌ی مساقات) بوده که شامل عقد می‌باشد. برعکس، تمام آن‌چه از قبیل نفقات و مصارف بالای درخت‌های مورد معامله می‌باشد، مسوولیت هر دو (مالک و عامل) است که بالای هر یک آن‌ها به تناسب سهم شان در حاصلات، لازم می‌گردد. مصارف کود، اجرت چیدن میوه یا جمع‌آوری آن، از همین قبیل مکلفیت‌های مشترک مالک و عامل است.

ابن جزئی مالکی در کتاب معروف خود، القوانین الفقهية اعمال مورد بحث در باب مساقات را به سه کتگوری تقسیم و مشخص نموده است که کدام یک مکلفیت کدام جانب معامله است. چنانچه نوشته است: «العمل في الحائط على ثلاثة أقسام». به این مفهوم که عمل و کار (مربوط به عقد مساقات) در باغ، سه قسم است. قرار شرح زیر:

۱. أحدها: ما لا يتعلق بالثمرة فلا يلزم العامل بالعقد و لا يجوز أن يشترط عليه. یعنی نوع اول اعمال مورد نظر آنست که به میوه درخت ارتباط ندارد که این‌گونه اعمال جزء مکلفیت‌های عامل نبوده و بالای او شرط کرده نمی‌شود تا آن را اجراء نماید.

^{۳۱} مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (ب-ت). المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ج ۳، ص ۱۱۸۷.

^{۳۲} أبو محمد موفق الدين عبدالله بن احمد بن محمد ابن قدامة المقدسي (۱۳۸۸ ق). المغني لابن قدامة، القاهرة، مكتبة القاهرة، ج ۵، ص ۲۹۹.

^{۳۳} همان، الكاساني، ص ۱۸۷.

۲. الثاني: ما يتعلق بالثمرة و يبقى بعدها. یعنی دوم اعمال متعلق به باغ‌داری آنست که به میوه و حاصلات درختان تعلق دارد، مانند حفرچاه، کاریز، ساختن محل نگهداری میوه و اعمال ازین قبیل که اینگونه اعمال نیز بالای عامل لازم نبوده و اشتراط آن نیز بالای او جایز نیست.

۳. الثالث: ما يتعلق بالثمرة و لا يبقى، فهو عليه بالعقد». نوع سوم اعمال مربوط به باغ‌داری آنست که به میوه و حاصلات باغ متعلق بوده، لکن بقاءدار نبوده بلکه از اعمال مربوط به موسم میوه است، مانند آبیاری باغ، شاخه‌بری، چیدن میوه و امور ازین قبیل، که این‌گونه اعمال بر اساس عقد از مکلفیت‌های عامل بوده و بالای او لازم می‌باشد^{۳۴}.

قانون مدنی افغانستان در خصوص تقسیم و تعیین مکلفیت‌های جانبین عقد مساقات چنین حکم می‌کند: «کارهای لازمی قبل از ظهور ثمر مانند آبیاری، پیوند، القاح و حفاظت، بر باغبان و کارهایی که بعد از ظهور ثمر ضروری پنداشته می‌شود مانند چیدن ثمر و امثال آن، بر طرفین عقد لازم می‌باشد، مگر این‌که موافقه طور دیگری صورت گرفته باشد»^{۳۵}.

چنانچه ملاحظه می‌شود، ماده مذکور قانون مدنی توافق قبلی متعاقدان را نیز معیار مورد قبول دانسته است. چنانچه بعد از بیان مکلفیت‌های مربوط به هر یکی از طرفین عقد، گفته است: «مگر این‌که موافقه طور دیگری صورت گرفته باشد».

۳. یکی دیگری از آثار مرتب بر عقد مساقات، مشترک بودن حاصلات درخت‌ها میان طرفین عقد بر اساس شرط و توافق قبلی میان آن‌ها است، بنابراین، بالای طرفین عقد لازم می‌شود تا حاصلات میوه‌ی درختان مورد معامله را در میان شان بر اساس همان توافق قبلی تقسیم نمایند.

علامه کاسانی رح درین خصوص چنین نوشته است: «و منها أن يكون الخارج بينهما على الشرط». یعنی از احکام مرتب بر عقد مساقات این است که حاصلات باغ مورد معامله بر اساس شرط توافق شده میان شان مشترک می‌باشد^{۳۶}.

مجلة الاحكام العدلية در این خصوص چنین حکم نموده است: "يُقَسَّمُ الثَّمَرُ فِي الْمَسَاقَاتِ الصَّحِيحَةِ بَيْنَ الْعَاقِدَيْنِ عَلَى الْوَجْهِ الَّذِي شَرَطَاهُ"^{۳۷}. به این مفهوم که در عقد مساقات صحیح، میوه‌ی درخت‌های مورد معامله میان طرفین عقد، بر حسب شرط قبلی میان آن‌ها تقسیم می‌شود.

^{۳۴} همان، ابن الجزی، ص ۳۰۳.

^{۳۵} همان، قانون مدنی، ماده‌ی (۱۴۳۷).

^{۳۶} همان، الکاسانی، ص ۱۸۲.

^{۳۷} همان، مجلة الأحكام، ماده‌ی (۱۴۴۶).

۴. حکم دیگر عقد مساقات صحیح این است که در صورت به دست نیامدن حاصلات از باغ مورد معامله، طرفین عقد بالای یک‌دیگر شان مستحق چیزی نمی‌شوند، چون بر اساس عقد طرفین عقد مستحق حاصلات باغ بودند که معدوم است و هر چیز دیگر که برای یک‌دیگر در نظر بگیرند، خلاف مقتضای عقد بوده و غیر لازم می‌باشد.^{۳۸}

قانون مدنی افغانستان در این مورد در قسمت اخیر ماده‌ی (۱۴۳۶) خود چنین حکم نموده است: «در حالی که ثمر اصلاً ظاهر نشود، هیچ یک از طرفین بالای هم‌دیگر حقی ندارد». این جزء از ماده‌ی قانون مدنی گرچه در ذیل مطالب مربوط به عقد مساقات فاسد ذکر شده است، لکن احتمال معنای تحریرشده نیز از آن واضح و ممکن است.^{۳۹}

۵. یکی دیگری از احکام مرتب بر عقد مساقات این است که در نتیجه این عقد برای مالک بالای عامل نوع ولایت اجبار، ثابت می‌شود، بناءً، مالک باغ که یک طرف قرارداد می‌باشد، حق دارد تا عامل را مجبور و مکلف به کار کردن نماید.^{۴۰}

۶. جواز و عدم جواز ازدیاد و تقلیل مقدار امتیاز مورد توافق جانبین، یکی دیگری از آثار مرتب بر عقد مساقات است که بنابر حالات مختلف فرق دارد. قاعده‌ی کلی در این باب (مزارعت و مساقات) این است که هرگاه عقد مورد نظر به مرحله‌ی رسیده باشد که احتمال انشاء عقد در آن وجود داشته باشد، در این صورت ازدیاد امتیاز هر یکی از طرفین جواز دارد، اما اگر عقد به مرحله‌ی رسیده باشد که دیگر احتمال انشاء عقد در آن باقی نمانده باشد (مانند این که عملیه بزرگ شدن میوه به انتهای رسیده باشد) در این صورت ازدیاد مقدار امتیاز نیز درست نیست. البته تقلیل امتیاز در هر دو مرحله جایز دانسته شده است.^{۴۱}

۷. حکم و اثر دیگر مرتب بر عقد مساقات این است که عامل صلاحیت آن را ندارد تا معامله مورد تعاقد را به شخص دیگری واگذار کند (عامل، عامل بگیرد) مگر این که مالک باغ به نحوی اجازه‌ی چنین کاری را برای او داده باشد.^{۴۲}

قانون مدنی افغانستان در عین حال تذکر و توضیح موضوع، برای صورت تخلف باغبان از توافق انجام شده و سپردن باغ به شخص دیگر، راه حل نیز پیش‌بینی نموده تصریح می‌دارد که: «باغبان نمی‌تواند

^{۳۸} همان، الکاسانی، ص ۱۸۷، همان، الجزیری، ص ۲۸، همان، الزحیلی، ص ۴۷۱۴.

^{۳۹} همان، قانون مدنی، ماده‌ی (۱۴۳۶).

^{۴۰} همان، الکاسانی، ص ۱۸۷، همان، الجزیری، ص ۲۸.

^{۴۱} همان، الکاسانی، ص ۱۸۷.

^{۴۲} همان، ۱۸۷، همان، الزحیلی، ص ۴۷۱۴.

بدون اجازه مالک، درخت را به شخص دیگری به باغبانی بدهد. در صورت تخلف، ثمر به مالک تعلق گرفته باغبان دوم مستحق اجرت مثل باغبان اول گردیده و باغبان اول مستحق اجرت شناخته نمی‌شود»^{۴۳}.

ب: احکام عقد مساقات فاسد

هرگاه بنا بر عدم تحقق شروط لازم، عقد مساقات فاسد شود، از نظر فقهی در این صورت نیز یک سلسله احکام بالای آن مرتب می‌شود که طرفین عقد یا یکی آن‌ها به رعایت آن ملزم می‌باشد. برخی از این احکام را فقها این‌گونه بیان نموده‌اند:

۱. عدم اجبار عامل بر ادامه عمل و اتمام آن، چون ولایت اجبار مالک بالای عامل، مکتسب از عقد مساقات صحیح است و هرگاه عقد فاسد باشد، دیگر مرجعی برای مشروعیت ولایت و صلاحیت اجبار برای مالک بالای عامل باقی نمی‌ماند.

۲. اثر دیگر مرتب بر فساد عقد مساقات این است که حاصلات به دست آمده از باغ و درخت‌های مورد نظر، همه مربوط مالک باغ است، چون در واقع نما و زیادت حاصله از ملکیت موصوف محسوب می‌شوند و عامل به اساس شرطی مالک آن می‌شد که با معروض شدن عقد به فساد، متحقق نگردید، بناءً، تمام حاصلات مربوط مالک باغ می‌شود، البته عمل شخص عامل به نحوی دیگری قابل جبران است.

۳. وجوب مزد و اجرت مثل برای عامل تنها در صورت تحقق نوع عمل از وی. چون اگر عملی از وی متحقق نشده باشد، دلیل و باعث دیگری برای وجوب اجرت برای او وجود ندارد، زیرا عقد که عامل اصلی استحقاق اجرت برای او بود، اکنون فاسد شده و دیگر نمی‌تواند سبب وجوب اجرت برای موصوف باشد.

۴. اثر دیگر مرتب بر عقد مساقات فاسد این است که وجوب مزد و اجرت مثل برای عامل در مقابل عمل او، منوط و موقوف به تحقق حاصلات باغ نمی‌باشد، بلکه بدون تحقق حاصلات باغ حتی اگر باغ مورد توافق هیچ حاصلی هم ندهد، باز هم اجرت مثل برای عامل بالای مالک باغ واجب است^{۴۴}.

ابن جزئی مالکی رح دیدگاه فقهای مالکی را در خصوص آثار مرتب بر عقد مساقات فاسد یا بر فساد عقد مساقات، این‌گونه بیان نموده است: «هرگاه عقد مساقات بگونه‌ی فاسد واقع می‌شود و شروط

^{۴۳} همان، قانون مدنی، ماده‌ی (۱۴۳۸).

^{۴۴} همان، الکاسانی، ص ۱۸۸، همان، الزحیلی، ص ۴۷۱۹.

لازم برای مساقات صحیح در آن متحقق نباشد، این موضوع از نظر زمان اطلاع‌یابی بر فساد عقد به سه دسته یا مرحله تقسیم می‌شود که آثار مرتب بر هر مرحله‌ی آن نسبت به مرحله‌ی دیگر متفاوت است. چنانچه اگر فساد عقد برای طرفین عقد قبل از عمل عامل معلوم شود، در این صورت عقد فسخ می‌شود و هیچ‌گونه الزاماتی بالای طرفین عقد واجب نمی‌شود و اگر اطلاع به فساد در زمانی حاصل شود که عملیه مساقات انجام شده باشد، در این صورت میان فقها اختلاف نظر وجود دارد که برای عامل بالای مالک اجرت مثل لازم می‌شود یا مساقات مثل و اگر فساد عقد در زمانی معلوم شود که عامل کار خود را شروع نموده اما تا اکنون همه کارهای لازم به انتهای نرسیده باشد، در این صورت نیز در فقه مالکی دو دیدگاه وجود دارد.^{۴۵}

اسباب فساد عقد مساقات

اسباب و عوامل فاسدکننده‌ی عقد مساقات را برخی از فقهای معاصر این‌گونه بر شمرده‌اند:

۱. شرط گذاشتن تعلق تمام حاصلات به یکی از طرفین عقد؛
۲. شرط گذاشتن تعلق مقدار معین از حاصلات به یکی از طرفین عقد؛
۳. شرط گذاشتن مشارکت مالک در عمل با عامل؛
۴. شرط گذاشتن لزوم چیدن میوه و جمع‌آوری آن بالای عامل؛
۵. اشتراط چنان عملی بالای عامل که منفعت آن بعد از ختم عقد مساقات نیز باقی بماند؛
۶. توافق طرفین عقد بر تعیین مدتی که عادتاً میوه مورد معامله در آن مدت پخته نمی‌شود و
۷. انجام مساقات یا انعقاد عقد مساقات یک شریک با شریک دیگر.^{۴۶}

اسباب و عوامل تذکر داده شده، بنابر دلائل معین مربوط به هریک، از عوامل فساد عقد مساقات دانسته است که به این ترتیب، برای تحقق عقد مساقات صحیح، در پهلوی تحقق دیگر شروط لازم آن، حتمی است که عوامل و اسباب یادشده فاسدکننده‌ی آن، منتفی باشد.

قانون مدنی افغانستان ضمن دو ماده (۱۴۳۵ و ۱۴۳۶) پیرامون فساد عقد مساقات از طریق تعیین مدت نامناسب برای آن صحبت نموده و تعیین چنین مدت را از اسباب فساد این عقد دانسته است. چنانچه ماده (۱۴۳۵) این‌گونه حکم نموده است: «هرگاه مدت باغبانی طوری تعیین شود که از ظهور ثمر کم‌تر باشد، عقد صحیح پنداشته نمی‌شود». بناءً، بر اساس حکم ضمنی این ماده قانون، لازم است تا برای انجام درست عملیه‌ی مساقات، مدت زمان مناسبی در نظر گرفته شود در غیر آن، تعیین مدت

^{۴۵} همان، ابن الجزی، ص ۳۰۳.

^{۴۶} همان، ص ۲۷ - ۲۸، همان، الزحیلی، ص ۴۷۱۷ - ۴۷۱۹.

نامناسب، سبب فساد آن می‌شود. ماده‌ی (۱۴۳۶) در مورد سه حالت فرضی در تعیین مدت، با تفصیل بیشتر صحبت نموده است که متن مکمل آن با اشاره به حالات مورد نظر، این‌گونه است:

«هرگاه برای باغبانی مدتی تعیین شود که در آن احتمال ظهور و عدم ظهور ثمر هر دو متصور باشد، عقد موقوف دانسته می‌شود، به نحوی که اگر میوه‌ی در وقت معین طوری ظاهر شود که مشابه آن در معاملات، طرف علاقه قرار گیرد، باغبانی صحیح بوده ثمر مطابق موافقه‌ی قبلی تقسیم می‌شود. اگر ثمر در وقت معین ظهور نکند، عقد فاسد بوده باغبان مستحق اجرت مثل عمل خویش شناخته می‌شود، در حالی که ثمر اصلاً ظاهر نشود، هیچ یک از طرفین بالای هم‌دیگر حقی ندارند». به این ترتیب دیده می‌شود که تعیین مدت زمانی نامناسب برای انجام عملیه مساقات، از نظر قانون مدنی افغانستان نیز، بر صحت این عقد تأثیر منفی بجا می‌گذارد.^{۴۷}

بحث و نتیجه‌گیری

عقد مساقات یکی از عقود معروف در فقه اسلامی است. در منابع فقهی در پهلوی اصطلاح «مساقات» اصطلاح «معامله» نیز برای افاده مفهوم این عقد بکار رفته است. در حالی که جمهور فقهاء (أئمه ثلاثه و صاحبین از احناف) بنابر دلایل زیادی، عقد مساقات را جایز، مشروع و یکی از عقود مسمی و معروف در فقه اسلامی می‌دانند، امام ابو حنیفه رح به عدم جواز آن قائل است. از دلایل امام ابو حنیفه این است که این عقد از نوع اجاره درخت در مقابل قسمتی از حاصل آن و از قبیل عقد مجهول بوده که چنین عقد در احادیث نبوی ممنوع و منهی عنه دانسته شده است.

جمهور فقهاء بنا بر دلایل چون قرارداد و معامله پیامبر اکرم (ص) با اهل خبیر به مقداری از حاصل میوه و زراعت باغ‌ها و زمین‌های آن منطقه، اجازه‌ی انجام چنین عقد میان مردم مدینه (انصار) و مهاجرین وارد شده از مکه از جانب پیامبر (ص)، این عقد را جایز و مشروع و یکی از عقود مهم در راستای حل برخی از مشکلات جامعه‌ی انسانی دانسته‌اند. با توجه به این‌که دلایل امام ابو حنیفه رح در خصوص عدم جواز عقد مساقات عام و قسماً مبتنی بر نوع قیاس بوده، اما دلایل جمهور فقهاء در این زمینه خاص و به‌گونه‌ی واضح بیان‌گر عقد مورد نظر می‌باشد و این‌که دیدگاه صاحبین (قاضی ابو یوسف رح و امام محمد رح) در فقه احناف راجح خوانده شده است، از جانی هم دیدگاه جمهور فقهاء در این زمینه معقول و مطابق به نیاز جامعه‌ی انسانی دانسته شده است و علاوه بر آن، عقد مساقات در ادوار مختلف تاریخ اسلام از طرف علمای زیاد مورد اعتماد امت اسلامی مانند مشاهیری از صحابه کرام، تابعین و علمای بعد از آنان، مشروع و جایز دانسته شده و مورد تطبیق بوده است.

^{۴۷} همان، قانون مدنی، ماده‌ی (۱۴۳۶).

می‌توان گفت که دیدگاه جمهور فقهاء در خصوص جواز عقد مساقات یا باغبانی نسبت به دیدگاه عدم جواز آن، واضح‌تر و مستدل‌تر بوده و راجح است. همان‌گونه که قانون مدنی افغانستان نیز این عقد را تحت نام عقد باغبانی جایز و مشروع دانسته است که بر اساس قاعده‌ی «اختیار ولی الأمر ملزم» این اختیار خود از مرجحات بوده و جانب تعیین شده را بالای محاکم الزامی می‌سازد.

از آن‌چه تحریرگردید، می‌توان نکات آتی را به عنوان نتایج بحث تذکر داد:

- مساقات در اصطلاح فقها عقدیست که بر اساس آن شخصی درخت یا باغ خود را به شخص دیگری می‌سپارد تا آن را خدمت نموده، مستحق بخشی از حاصلات آن شود، مانند آن‌چه در باب مزارعت میان مالک زمین و عامل در آن، منعقد می‌گردد.
- عقد مساقات بنا بر دلائلی از نصوص شرعی، مقتضای ضرورت و احتیاج جامعه‌ی انسانی، در شریعت اسلامی جایز و مشروع دانسته شده است، تا افراد جامعه بتوانند توسط آن، بخشی از ضرورت‌ها و نیازهای زندگی خود را حل نمایند.
- عقد مساقات مانند سایر عقود، از منابع انشای حقوق و وجائب بوده و ازین لحاظ برخی حقوق و وجائب معین متقابل را میان طرفین عقد به وجود می‌آورد و هر یک را در مقابل دیگری ملزم به انجام امری یا کاری می‌سازد.
- عدم رعایت شروط لازم برای تحقق عقد مساقات، سبب فساد و عدم صحت آن می‌گردد. هم‌چنین تعیین مدت زمان خلاف مقتضای عقد و تعیین مقدار معینی از حاصلات یا کل آن برای یکی از طرفین عقد، از اسباب فساد این عقد است.
- عقد مساقات فاسد نیز مانند دیگر عقود فاسد، دارای برخی احکام و آثار می‌باشد، مانند این‌که اگر اطلاع به فساد قبل از آغاز عمل عامل باشد، در این صورت عقد فسخ می‌شود. هم‌چنان در برخی حالات در اثر عقد مساقات فاسد، شخص عامل به عوض مستحق شدن مقداری از حاصلات باغ مورد معامله، مستحق اجرت مثل می‌شود.
- قانون مدنی افغانستان، عقد مساقات را در ذیل انواع اجاره به نام عقد باغبانی تسجیل و مشروع دانسته و از اسباب انشای حقوق و وجائب متقابل برای طرفین آن شناخته است، مشروط بر این‌که شروط مطرح برای آن رعایت گردد.

منابع

- القرآن کریم.
- ابن الجزری، أبو القاسم، محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الله الکلبي الغرناطی. ١٤٢٩ق. القوانين الفقهية، القاهرة، دار الأندلس الجديدة.
- ابن رشد الحفید، أبو الولید محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد القرطبی. ١٤٢٥ق - ٢٠٠٤. بداية المجتهد و نهاية المقتصد، القاهرة، دار الحديث، ج (٤).
- ابن قدامة، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن احمد بن محمد الجماعلی المقدسی ثم الدمشقی. ١٣٨٨ق - ١٩٦٨. المغنی لابن قدامة، القاهرة، مكتبة القاهرة، ج (٥).
- ابن منظور، محمد بن مكرم بن علی أبو الفضل جمال الدين الأنصاری الإفريقي. ١٤١٤ق. لسان العرب، بیروت، دار صادر، ج (١١).
- ابو داود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (ب-ت). سنن ابی داود، المحقق: محمد محیی الدين عبد الحمید، بیروت، المكتبة العصرية، صیدا، ج (٣).
- انصاری، مسعود و طاهری، محمد علی. ١٣٨٨ش. مجموعه دانشنامه حقوق- دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، جنگل جاویدانه، ج (٣).
- البخاری، محمد بن إسماعیل ابو عبدالله الجعفی. ١٤٢٢ق. الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم و سنته و أيامه = صحيح البخاری، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، مصر، دار طوق النجاة، ج (٣).
- الجزیری، عبدالرحمن بن محمد عوض. ١٤٢٤ق - ٢٠٠٣. الفقه علی المذاهب الأربعة، بیروت، دار الکتب العلمية، الطبعة الثانية، ج (٣).
- الزحلی، وهبة (ب-ت)، الفقه الاسلامی و أدلته (ب-ت). دمشق، دار الفكر، ج (٦).
- السابق، سید. ١٣٩٧ق - ١٩٧٩. فقه السنة، بیروت، دار الکتب العربی، الطبعة الثالثة، ج (٣).
- السیوطی، أبو الفضل عبدالرحمن جلال الدين. ١٤٢٤ق - ٢٠٠٤. معجم مقالید العلوم فی الحدود و الرسوم، القاهرة، مكتبة الآداب، الطبعة الأولى.
- الشریینی، شمس الدين محمد بن أحمد الخطیب. ١٤١٥ق - ١٩٩٤. مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، بیروت، دار الکتب العلمية، الطبعة الأولى، ج (٣).

- الكاسانى، علاء الدين أبو بكر بن مسعود بن أحمد. ١٤٠٦ق-١٩٨٦. بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، بيروت، دارالكتب العلمية، الطبعة الثانية، ج (٦).
- لجنة مكونة من عدة علماء و فقهاء فى الخلافة العثمانية (ب-ت)، مجلة الأحكام العدلية، باكستان، كراتشى، آرام باغ، نور محمد كارخانه تجارت كتب.
- النيسابورى، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيرى (ب-ت)، المسند الصحيح المختصر- بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم = صحيح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ج (٣).
- وزارت الأوقات والشؤون الإسلامية - الكويت. ١٤٠٤ق-١٩٨٣. الموسوعة الفقهية الكويتية، الكويت، طباعة ذات السلاسل، الطبعة الثانية، ج (٣٧).
- قانون مدنى. ١٣٥٥ ش ٣٥٣ جريده رسمى، وزارت عدليه جمهورى اسلامى افغانستان، ج (٣).